

رساله دوم تسالونیکیان Second Thessalonian

کتاب دوم تسالونیکیان نیز شامل یکی دیگر از نامه‌های پولس رسول و در کل از ۳ فصل و ۴۷ آیه تشکیل شده و از آنجا که وضعیت در کلیسای تسالونیکیان به شکل قابل ملاحظه‌ای تغییر نکرده بود، هدف پولس از نوشتن این نامه بسیار مشابه نامه اول خود به آنها بود. او این نامه را نوشت:

- ۱ - تا ایمانداران مورد جفا قرار گرفته را تشویق کند.
- ۲ - تا دیدگاه آنها را در مورد بازگشت مسیح اصلاح کند.
- ۳ - تا آنها را تشویق و ترغیب به صبر و کار کردن برای امرار معاش کند.

نویسنده

پولس دومین رساله خود به تسالونیکیان را فقط چند ماه پس از اولین نامه خود و در حدود سال ۵۱ پس از میلاد نوشت. از آنجا که تعدادی از موضوعات عنوان شده در نامه دوم تا حدودی از شباهت موضوعی با اولین نامه برخوردار است، پولس احتمالاً اطلاعات و اخبار دومی نیز از تسالونیکی مبنی بر سوالات و یا مشکلات مربوط به امور آخر دنیا دریافت کرده بود. برخی از مستندات پولس نشان می‌دهد که برخی در تسالونیکی عمداً ایمانداران جدید را گمراه می‌کردند و حتی در برخی از مقاطع، معلمان دروغین نامه‌هایی را جعل می‌کردند تا نشان دهند که از طرف پولس آمده‌اند (۲: ۲). بنابراین پولس رسول در این نامه بیشتر دقت کرده تا مطمئن شود که تسالونیکیان نه تنها دیدگاه و درک درستی از امور پایان دنیا داشته باشند بلکه با دست خط او نیز آشنا شوند به طوری که قادر به شناسایی نامه او از سایر نامه‌های جعلی بشوند (۳: ۱۷).

زمینه

این نامه پولس رسول احتمالاً مدت کوتاهی پس از اولین نامه او به کلیسای تسالونیکی نوشته شده است. او به آنها در مقابل کلیساهای دیگر مباحثات می‌کرد و به آنها در مورد ایمان و محبت ایمانداران تسالونیکی به یکدیگر در زمان آزار و اذیت می‌گفت.

رساله دوم تسالونیکیان در جواب مشکلات بیشتر و همچنین عدم درک بعضی از قسمتهای اول تسالونیکیان نوشته شده است. پولس به آنها یادآوری کرد که خدا آزار و اذیت آنها را جبران خواهد کرد. او همچنین دو مشکل موجود در این کلیسا را مورد خطاب قرار می‌دهد. اولین مسئله، چنانچه ما در اول تسالونیکیان هم دیدیم، آنها می‌گفتند که زمان بازگشت عیسی مسیح فرا رسیده است. پولس از آنها خواست که "از هوش خود متزلزل نشوند" و نترسند که گویا "روز مسیح" فرا رسیده است (۲: ۲). دوم اینکه او به آنها توصیه کرد که بیکار نگردند و به آنها دستور داد که "اگر کسی خواهد کار نکند، خوراک هم نخورد" (۳: ۱۰).

تاریخچه

دوم تسالونیکیان خود را با تعالیم دقیق در امور و آموزه‌های پایان دنیا از سایر رسالات پولس متمایز می‌کند. معلمان دروغین و کاذب نامه‌های جعلی از طرف پولس ارائه داده و به ایمانداران تسالونیکی

می‌گفتند که روز خداوند فرا رسیده و در حال آمدن است. این نامه‌ها به خصوص باعث نگرانی ایمانداران تسالونیک‌ها می‌شد چون پولس در نامه قبلی خود آنها را تشویق و ترغیب کرده بود که باید قبل از فرا رسیدن روز داوری خداوند بر روی زمین، همچنان به زندگی شاد روحانی خود ادامه دهند. بنابراین پولس به آنها توضیح داد که این زمان پر از وحشت آخر دنیا هنوز فرا نرسیده است زیرا هنوز آن شخص یعنی "فرزند هلاکت" نیامده است (۲: ۳). در مقایسه با سایر قسمت‌های کتاب دانیال، متی، و مکاشفه، آشکارا این شخص هیچ‌کسی نیست مگر همان "دجال" که "ضد مسیح" نیز نامیده می‌شود. اما پولس تسالونیکیان را تشویق می‌کند که نگران نباشند چون دجال تا زمانی که آن مانع یا محدود کننده اسرار آمیز از روی زمین محو نشود نخواهد آمد؛ تسالونیکیان ظاهراً از هویت این محدود کننده یا مانع مطلع بودند (۲: ۶-۷).

هویت این محدود کننده یا مانع به شدت مورد بحث محققان کتاب مقدس است، هر چند با توجه به ماهیت محدود کنندگی آن، او به احتمال زیاد همان کار روح خدا از طریق کلیسا و برای فدیة و نجات جانها می‌باشد. وقتی ایمانداران با شور و شغف زمین را بسوی آسمان ترک کنند، هر آنکس که باقی می‌ماند خشم و غضب خدا و رنج و سختی را تجربه خواهد کرد.

منبع: رازگاه